

بررسی عنصر تصویرپردازی در خطبه اشباح نهج البلاغه

دکتر احمد پاشازانوس^۱

عاطفه رحمانی^۲

چکیده

تصویرپردازی یکی از ارکان مهم زیبایی‌شناسی در کلام محسوب می‌شود که از دیرباز مورد توجه ادبا و ناقدان بوده؛ به این صورت که ادبا، تصویر را جزء جدایی ناپذیر آثار خود می‌دانستند و ناقدان نیز آثار آن‌ها را از این منظر مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دادند. در این مقاله سعی بر آن است که با روش تحلیلی-توصیفی خطبه اشباح را از نظر تصویر و تصویرپردازی ارزیابی نماییم. لازم به ذکر است که در این خطبه با توجه به مفهوم جملات و میزان آشنایی خواننده با وجه‌شبهه و رعایت اقتضای حال مخاطب و درک عموم از تشبیهات بلیغ و مؤکد مفصل استفاده شده که این نشان‌دهنده تناسب تصویر با معنا است و یا استعمال کنایه در متونی که مملو از عاطفه ترس و هجو است، نشان از هماهنگی تصویر با عاطفه است و یا بسامد بالای تشخیص نسبت به تجسیم در این خطبه علاوه بر پویایی بخشی به متن؛ با توجه به حجم زیاد جملات فعلیه نسبت به جملات اسمیه نمایان‌گر سنخیت تصویر با اسلوب است؛ زیرا جملات فعلیه نیز نسبت به جملات اسمیه متن را پویاتر می‌کنند.

واژگان کلیدی: امام علی (ع)، نهج البلاغه، خطبه اشباح، زیبایی‌شناسی، تصویرپردازی.

۱. دانشیار گروه عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین ahmad-pasha95@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد گروه عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین - نویسنده مسئول

atefh.27aban.rahmani@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۴

مقدمه

هر ادیبی می‌کوشد تا اثر خود را با تصاویر هنری درآمیزد. «اثر هنری که در آن تصویر نباشد اثر هنری محسوب نمی‌شود». (یوسفی، ۱۳۶۱: ۱۱۳). در رابطه با معنای اصطلاحی تصویر آفرینی از گذشته تاکنون تعاریف متعدد مطرح شده است از جمله؛ «تصویر ادبی، هر نوع آرایه کلامی است که به صورت‌هایی از نوع تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و ... عرضه می‌گردد، که با هدف ایجاد صور ذهنی و تحریک عاطفه به کار می‌رود.» (انوری، ۱۳۸۲، ۱۷۶۶/۳).

و نیز «تصرف ذهنی ادیب در مفهوم طبیعت و انسان و کوشش ذهنی او برای برقراری نسبت میان انسان و طبیعت، چیزی است که آن را تصویر یا خیال می‌نامیم.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۱۷). ادبا زمانی که به اطراف خود می‌نگرند، معنا و مفهوم در ذهن آن‌ها نسبت به اشیا و آنچه را که غیر ادیب نمی‌تواند تبیین کند، از آن پرده برمی‌دارند. با توجه به اهمیت موجود در آفرینش ادبی، اهل بلاغت گفته‌اند که اگر کسی نتواند به نوآوری و کشف وجه شبه اشیا دست بزند، نمی‌توان او را ادیب نامید. (ابوحمدان، ۱۳۷۶: ۱۴۴). تصویر، محصول فعالیت خلاقانه ذهن ادیب و حاصل بیداری او نسبت به تجربیات شخصی است. کالریج می‌گوید: «تخیل هنری جهانی تازه می‌آفریند؛ جهانی که شبیه جهان هر روزینه ادراک است؛ اما از نو نظم و سامان داده شده و به جانب سطحی عالی‌تر از کلیت و جهان شمولی در حرکت است.» (برت، ۱۳۷۹: ۶۲).

شکل‌های خیال؛ یعنی تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه، موضوع فن بیان است و هر سخنور و سخن‌سنجی، به ضرورت هنر و پیشه خود ناگزیر از آگاهی با روش شناخت شکل‌های خیال است. (ثروتیان، ۱۳۶۹: ۹۱). و ادیب با بهره‌گرفتن از عناصر تصویرپردازی (تشبیه، استعاره، مجاز و ...) و استمداد از قوه خیال و عاطفه، به معانی و مفاهیم حیات و نیرو می‌بخشد و گویی خالق جدید معانی کلمات است و برای اشیا، نام‌های جدید و توصیف‌های بدیع می‌آفریند. (ضیف، ۱۴۶۶: ۱۷۱). و به این صورت معانی از حالت خشک و بی‌روح بیرون می‌آیند و به حرکت و حیات می‌گرایند، البته بین معنا و تصویر مرتبط باید پیوند و تناسب وجود داشته باشد، از طریق همین تصاویر است که اغلب تأثیرات عاطفی ایجاد می‌شود. (ریچاردز، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

یکی از مهم‌ترین عناصر ادبی و تصویرپردازی خیال است که ادیب با استمداد از آن به تصویرگری اشیا پیرامون و انسان‌ها می‌پردازد و موجب تحریک عاطفه می‌شود. (ابوحاقه، ۱۹۹۶:

۲۹۶). و هم چنین خیال، ارتباطی قدرت مند با عاطفه دارد؛ به همین جهت هرچه عاطفه قدرتمندتر باشد به حضور یک خیال قوی نیز محتاج تر است تا این خیال با حضور خود بر جذابیت و چگونگی بیان و میزان تأثیر عاطفه بیفزاید. با این توضیح روشن می شود که ضعف هر یک از این دو عنصر (خیال و عاطفه) ضعف دیگری را در پی خواهد داشت. (عتیق، ۱۷۲۳: ۱۱۸).

تصویرپردازی نسبت به یک مفهوم می تواند با هدف زینت بخشیدن به یک معنا صورت پذیرد؛ اما تصویرپردازی صرفاً به جهت تحقق این هدف در اثر ادبی نمود پیدا نمی کند، به عنوان مثال در نهج البلاغه، تصویرپردازی با هدف هنر سخنوری ایراد نگردیده است. «سخن در نهج البلاغه وسیله است نه هدف. هدف اصلی از تصویرپردازی در نهج البلاغه، دینی و توحیدی است.» (مطهری، ۱۳۵۴: ۳۰). با توجه به نوع انگیزش و عاطفه، ادیب تصاویر و عناصری را می آفریند که مرتبط با آن نوع عاطفه باشد تا مخاطب را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

شایان ذکر است که نهج البلاغه؛ کتابی پر بار و دربرگیرنده سخنان امام علی (ع) است و از بارزترین خصوصیات این کتاب ارزشمند، بهره گیری از گفتار، نوشتار، ادبیات زیبا، جذاب و همراه با ضوابط فصاحت و بلاغت، یکی از مصادیق زیبایی است که امیر بیان و پیشوای بلاغت، سرچشمه آن است. گزیده گویی، معانی عمیق و جاذبه های لفظی و تعبیری، انسجام در معنا و ساختار، از هنرهای کلامی هستند که مخاطبان را شیفته خود می سازند. امیرمؤمنان در نهج البلاغه، برای آفرینش این تابلوی هنری و زیبا از هنرهای کلامی فوق بهره جسته اند. و نیز ایشان با استفاده از عناصر تصویرساز مانند تمثیل، موضوعات و مباحث عقلی را تفهیم می کنند.

در خصوص خطبه اشباح باید اذعان کرد که مسعدة بن صدقه، از امام صادق (ع) نقل کرد؛ روزی در مسجد کوفه شخصی به امام علی (ع) گفت: خدا را آن گونه توصیف کن که گویا با چشم سر او را دیده ایم تا عشق و شناخت ما به خداوند بیش تر از پیش شود. امام علی (ع) خشمگین شد و با صدای بلند فرمود: همه برای نماز جماعت حاضر شوند. مردم آن چنان حضوری پیدا کردند که مسجد پر از جمعیت شد. در خصوص مضمون خطبه باید گفت که بخشی کثیر از خطبه درباره وصف فرشتگان می گردد.

۱- سؤالات پژوهش

نگارندگان بر آن هستند تا با روش تحلیلی-توصیفی به سؤالات ذیل پاسخ دهد:
 خطبه از لحاظ انواع تصویر، عناصر، منابع و کارکرد تصویرپردازی چگونه است؟
 چگونه می‌توان با ذکر نمونه و دلیل اثبات کرد که تصاویر به کار رفته در خطبه مذکور، با معنا و عاطفه هم‌خوانی دارد؟

۲- پیشینه تحقیق

کتاب پر بار نهج البلاغه از منظرهای متعدد مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته که بخش کثیری از این تحلیل و بررسی‌ها با هدف فهم مفاهیم اخلاقی، توحیدی و دینی نهج البلاغه بوده است در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت که در شرح‌های مختلف این کتاب پربار و غنی مانند «شرح ابن میثم بحرانی و ابن ابی الحدید» به صورت جزئی و پراکنده به بخشی از این عناصر تصویرپردازی اشاره شده و کتاب‌های هم‌چون «شگفتی‌های نهج البلاغه» اثر جرج جرداق، «سیری در زیبایی‌های نهج البلاغه» اثر مرتضی قائمی، «جلوه‌های بلاغت در نهج البلاغه» نوشته دکتر محمد خاقانی و هم‌چنین پایان‌نامه‌هایی مانند «بررسی تشبیه و استعاره در نهج البلاغه» تألیف سیاوش حق‌جو و ... به صورت گذری به مباحثی از جنبه‌های تصویرپردازی این کتاب ارزشمند پرداخته شده است که بی‌ارتباط با این موضوع نیست.

لازم به ذکر است وجه افتراقی که موضوع مقاله با این آثار دارد؛ این است که فقط به استخراج عناصر تصویرپردازی نمی‌پردازد؛ بلکه ارتباط تصاویر مربوط را با دیگر عناصر ادبی مورد تحلیل قرار می‌دهد و کارکرد تصویرپردازی هر یک از آنها را بررسی می‌کنیم.

۳- عناصر تصویرپردازی

۳-۱: تصاویر تشبیهی و استعاری در خطبه

چون این خطبه در توصیف خداوند باری تعالی است و هدف از کاربرد تشبیه و استعاره وصف است؛ لذا این خطبه آکنده از تصاویر تشبیهی به خصوص «تشبیه مؤکد مفصل» و «تشبیه بلیغ» که جایگاهی برتر نسبت به سایر تشبیهات دارد و تصاویر استعاری است.

۳-۱-۱: تصاویر تشبیهی

منتقدان و اهل بلاغت استفاده افراطی از به کارگیری تشبیه را نکوهش می‌کنند؛ زیرا استعمال بیش از حد آن ارزش متن ادبی را پایین می‌آورد. به عقیده منتقدان با وجود این که تشبیه نوعی مقایسه بین مشبه و مشبه‌به است، میان این دو اشتراک وجود دارد؛ اما این اشتراک نباید منجر به تطابق کامل بین طرفین تشبیه شود. و نیز به اعتقاد این گروه؛ بین طرفین تشبیه، تفاوت و دوگانگی بارزی وجود دارد؛ زیرا اگر مخاطب تصور کند که مشبه و مشبه‌به یک چیز واحد هستند، تشبیه ارزش بلاغی و زیبایی خود را از دست می‌دهد. (ابوحمدان، ۱۳۷۶: ۱۵۳).

از بین تشبیهات؛ تشبیه بلیغ، یعنی تشبیهی که در آن وجه شبه و ادات حذف می‌شود و ترکیب به استعاره، نزدیک‌تر می‌شود و بیش‌تر از انواع دیگر تشبیه، ادعای مشابهت میان طرفین را به ذهن مخاطب تداعی می‌کند و نیز تلاش او برای کشف رابطه دو طرف تشبیه افزایش می‌یابد، بنابراین از منظر بلاغت و ارزش ادبی، نسبت به سایر تشبیهات در عالی‌ترین مرتبه تشبیه قرار دارد. (انصاری، ۱۳۸۹: ۲۳۲).

تشبیه، نقشی اساسی و مهم در القای آسان مفاهیم و معانی به خواننده دارد که در ذیل به نمونه‌هایی از صنعت تشبیه در خطبه اشباح اشاره می‌کنیم. در ترجمه فرازهای کوتاه این خطبه از ترجمه محمد دشتی استفاده شده است.

۳-۱-۲: تشبیهات بلیغ

«فَهِیَ كَرَامَاتٍ بِيضٍ قَدْ نَفَدَتْ فِي مَخَارِقِ الْهَوَاءِ وَ تَحْتَهَا رِيحٌ هَفَّافَةٌ تَحْبِسُهَا» «برخی فرشتگان چونان پرچم‌های سفیدی دل‌فشا را شکافته‌اند و در زیر آن‌ها بادهایی است که به نرمی حرکت می‌کنند.» عقلی-حسی، تشبیه فرشتگان به عنوان عناصر غیر محسوس به پرچم‌های سفید و بادهای نرم به عنوان عناصر محسوس، جمع (برای یک مشبه «فرشتگان» دو مشبه‌به «پرچم‌های سفید و بادهای نرم» آمده)، مقید.

«فَهُمْ أَسْرَاءُ إِيْمَانٍ، لَمْ يَفْكَهُمْ مِنْ رَبَّتِهِ زَيْغٌ وَلَا عُدُولٌ وَلَا وَتَى وَلَا فُتُورٌ» «فرشتگان بندگان ایمان هستند و طوق بندگی به گردن افکنده‌اند و هیچ‌گاه با شک و تردید و سستی، آن را بر زمین نمی‌گذارند.» عقلی-حسی؛ زیرا فرشتگان - امر غیر محسوس - به بندگان ایمان - چیز محسوس - تشبیه شده‌اند، مضمَر، مقید.

«وَجَعَلَهُ خَالِجًا لِأَشْطَانِهَا»: «مرگ پیوندهای خویشاوندی را از هم گسست تا آزمایش گردند.»
 عقلی-حسی؛ تشبیه زندگی - امر غیر محسوس - به ریسمان‌ها - امر محسوس - مضمَر، مفرد.
 «وَقَدْ رَجَوْتُكَ دَلِيلًا عَلَى ذَخَائِرِ الرَّحْمَةِ»: «به تو امید بستم که مرا به سوی ذخایر رحمت آشنا کنی.»
 عقلی-حسی؛ تشبیه رحمت - چیز غیر محسوس - به ذخایر - امر محسوس - مضمَر، مفرد.
 «وَقَدْ رَجَوْتُكَ دَلِيلًا عَلَى ذَخَائِرِ الرَّحْمَةِ وَ كُنُوزِ الْمَغْفِرَةِ»: «به تو امید بستم که مرا به سوی ذخائر رحمت و گنج‌های آمرزش آشنا کنی.»
 عقلی-حسی؛ تشبیه مغفرت - صفت غیر محسوس - به کنوز - چیز محسوس - مضمَر، مفرد.

۳-۱-۳: تشبیهات مؤکد مفصل

«اسْتَضِيءُ نُورِ هِدَايَتِهِ»: «از نور هدایت خداوند بهره گیر.»
 عقلی-حسی؛ تشبیه هدایت - عنصر محسوس - مضمَر، مفرد.
 «قَدْ ذَافُوا حَلَاوَةَ مَعْرِفَتِهِ»: «شیرینی معرفت خدا را چشیدند.»
 عقلی-حسی؛ تشبیه معرفت - صفت غیر محسوس - به شیرینی که محسوس است، مضمَر، مفرد.

۳-۱-۴: تشبیه مرسل مفصل

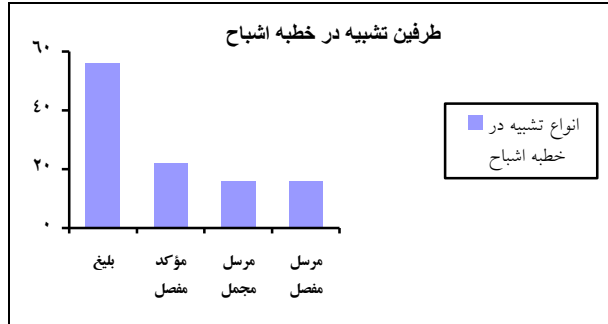
«تَرَعُو زَبَدًا كَالْفُحُولِ عِنْدَ هَيَاجِهَا»: «امواج چونان شتران نر مست، فریادکنان و کف بر لب به هر سوی روان بودند.»
 حسی-حسی؛ تشبیه امواج دریا به شتران نر مست، مضمَر، مقید.

۳-۱-۵: مرسل مجمل

«وَأَشْهَدُ أَنَّ مَنْ شَبَّهَكَ بِتَبَائِنِ أَعْضَاءِ خَلْقِكَ وَ تَلَاخُمِ حِقَاقِ مَفَاصِلِهِمُ الْمُحْتَجِبَةِ لِتَدْبِيرِ حِكْمَتِكَ»: «گواهی می‌دهم آن کس که تو را به اعضای گوناگون پدیده‌ها و مفاصل به هم پیوسته که به فرمان حکیمانه تو در لابه‌لای عضلات پدید آمده است.»
 عقلی-حسی؛ تشبیه خداوند - امر غیر محسوس - به اعضای گوناگون پدیده‌ها، مفاصل به هم پیوسته و بت‌ها - امر محسوس - تشبیه جمع (تشبیه خداوند به دو چیز: اعضای گوناگون پدیده‌ها و مفاصل به هم پیوسته)، مفرد.
 در عبارات فوق کاربرد وسیع تشبیه بلیغ به عنوان بهترین نوع تشبیه؛ در کنار معانی عمیق، نقش اساسی در زیبایی‌شناسی خطبه دارد. در این خطبه دو طرف تشبیه بیش‌تر عقلی-حسی هستند، زیرا امام (ع) قصد داشته‌اند تا تشبیهات به کار رفته در راستای سهولت در تفهیم معنای خطبه به کار روند.

در این خطبه تشبیه بلیغ و مؤکد مفصل بسامدی بیش تر دارند که نمودار ذیل حاکی از میزان

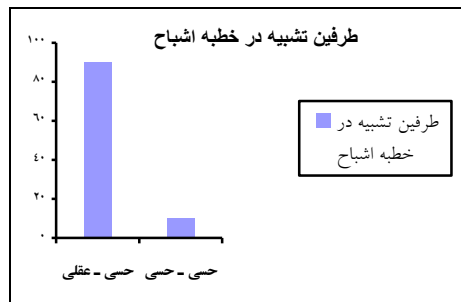
فراوانی انواع تشبیه در این خطبه است:



بسامد فراوان تشبیه بلیغ به خصوص در جملاتی که در آن‌ها، ایجاز قصر مشهود است و هم خوانی ایجاز قصر با تشبیه بلیغ از نظر معنایی؛ بیان‌گر نگاه زیبایی‌شناسی امام (ع) در آفرینش کلام فصیح و بلیغ است که این ویژگی ادبی و هنری به همراه معانی عمیق در بیان مسایل و موضوعات منجر به این شده است که سخن ایشان در عالی‌ترین سطح کلام بشری قرار گیرد. هم‌چنین با وجود تشبیه مؤکد مفصل و به دلیل بارز بودن وجه شبه در آن شاهد کاربرد تشبیهات نو و بکر در متن این خطبه هستیم؛ زیرا در این گونه تشبیهات معمولاً وجه شبه را ذکر می‌کنند تا تشبیه فهمیده شود و از آن‌جا که خطبه نباید خارج از چارچوب درک و فهم خواننده باشد؛ لذا کاربرد تشبیه مؤکد مفصل نسبت به تشبیهاتی که فهم وجه شبه آن‌ها برای عموم ممکن نباشد؛ مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

در این خطبه طرفین تشبیه از نوع عقلی-حسی بیش تر دارد که نمودار زیر حاکی از

میزان فراوانی است:



فراوانی دو طرف تشبیه از نوع عقلی-حسی در این خطبه شاید به این دلیل باشد که چون غرض از تشبیه، تقریر و توضیح حال مشبّه در ذهن خواننده است؛ لذا با هدف مجسم کردن و تبیین آن، بهتر است از مشبّه به حسی استفاده کرد. و از آنجا که بخشی کثیر از این خطبه را مباحث عقیدتی به خود اختصاص داده‌اند و این مضامین جزء امور انتزاعی است و هدف از ایراد خطبه اقناع مردم است، از این رو اقناع و روشن شدن مطالب برای مردم در صورتی میسر می‌شود که امور انتزاعی به صورت محسوس متجلی شوند، پس امام (ع) از طریق کاربرد تشبیه «عقلی-حسی» هم هدف تشبیه را مدنظر داشته و هم به هدف خطبه که قانع کردن مردم است، توجه و عنایت ویژه داشته‌اند.

۲-۲: تصاویر استعاری

«استعاره در لغت از ریشه استعار المال (از او خواست که مال را به او امانت دهد) گرفته شده است و در اصطلاح علم بیان به کار بردن لفظ در غیر معنی حقیقی خود به خاطر علاقه مشابَهتی است که میان معنای حقیقی و مجازی وجود دارد.» (هاشمی، ۱۳۷۰: ۲۹۸). و تجسیم و تشخیص دو رکن مهم استعاره به شمار می‌آیند:

۱- تجسیم در اصطلاح به معنای صورت محسوس دادن به امور معنوی و غیر محسوس است. به عبارت دیگر، امور غیر مادی به صورت مادی و ملموس متجلی شوند. این روش در معرفی امور معنوی و غیر محسوس، به خصوص زمانی که شناساندن آن‌ها به مخاطب با دشواری همراه باشد، نقشی به‌سزا دارد و هم‌چنین این شیوه با تمایل انسان به امور محسوس، از هم‌خوانی برخوردار است و هدف تجسیم این است که انسان را از امور دور از دسترس رهایی بخشد. (یاسوف، ۲۰۰۶: ۴۱۲-۴۱۳)؛

۲- تشخیص در اصطلاح به معنای شخصیت انسانی دادن به اشیا و آن‌ها را به صورت انسان مجسم کردن است. (انوری، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۶۲۳). شفیعی کدکنی نیز تشخیص را مطلق زندگی بخشیدن به اشیا می‌داند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۱۵۱).

استعاره به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان عناصر تصویرپردازی و زیبایی‌شناسی در خطبه مذکور کاربردی وسیع دارد که در ذیل به نمونه‌هایی از این صنعت اشاره می‌کنیم.

۲-۱: استعاره مکنبه مرشحه

۲-۱-۱: استعاره مکنبه از نوع تشخیص

«الرَّادِعُ أَناسِيَّ الْأُبْصَارِ عَنْ أَنْ تَنَالَهُ»: «مردمک چشم‌ها را از مشاهده خود بازداشته است.» تناله:

استعاره از تناظر، منبع تصویر: انسان.

«ضَحِکْتَ عَنْهُ أَصْدَافُ الْبِحَارِ»: «آن چه که از لبان پر از خنده صدف‌های دریا خارج می‌شود.»

تشبیه لبان باز صدف‌ها به آدمیانی که می‌خندند، منبع تصویر: انسان

«هُوَ الْقَادِرُ الَّذِي إِذَا ارْتَمَتْ الْأَوْهَامُ لِتُدْرِكَ مُنْقَطِعَ قَدْرَتِهِ»: «او قادری است که اگر وهم و خیال

انسان‌ها بخواهد برای درک اندازه قدرتش تلاش کند، نمی‌تواند.» تشبیه اوهام به تیراندازی که

تیراندازی می‌کنند، منبع تصویر: انسان

«حَاوَلَ الْفِكْرُ الْمُتَبَرِّأءُ مِنْ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ»: «افکار بلند دانشمندان و دور از وسوسه‌های

دانشمندان.» تشبیه فکر به انسانی کوشا که تلاش می‌کند، منبع تصویر: انسان

«وَوَلَّهْتَ الْقُلُوبُ إِلَيْهِ لِتَجْرِيَ فِي كَيْفِيَّةِ صِفَاتِهِ»: «قلب‌های سراسر عشق مشتاقان، برای درک

کیفیت صفات او کوشش نمایند.» تشبیه شیفتگی قلب عاشق به معشوق، به قلب‌های سراسر عشق

مشتاقان نسبت به باری تعالی، منبع تصویر: انسان.

«لَمْ يُبَاشِرْ قَلْبُهُ الْيَقِينَ بِأَنَّهُ لَا نِدْلَكَ»: «قلب او با یقین انس نگرفته است و نمی‌داند که هرگز

برای تو همانندی نیست.» لم یباشر استعاره از لم یانس، منبع تصویر: انسان.

«أَقَامَ رَصْدًا مِنَ الشُّهُبِ النَّوَاقِبِ عَلَى نِقَابِهَا»: «بر هر راهی و شکافی از آسمان، نگهبانانی از شهاب-

های روشن گماشت.» تشبیه شهاب‌های روشن به نگهبانان که رصد می‌کنند، منبع تصویر: انسان.

«نَاطَ بِهَا زِينَتَهَا مِنْ خَفِيَّاتِ دَرَارِيهَا وَ مَصَابِيحِ كَوَاكِبِهَا»: «با زینتی از گوهرهای تابنده و

ستارگان درخشان بیاراست.» تشبیه گوهرهای تابنده و ستارگان درخشنده در فلک به زنان زیبارو

که خود را می‌آرایند، منبع تصویر: انسان

«رَمَى مُسْتَرَقِي السَّمْعِ بِنَوَاقِبِ شُهْبِهَا»: «و آنان را که خواستند اسرار آسمان‌ها را دزدانه دریابند،

با شهاب‌های سوزان تیرباران کرد.» تشبیه شهاب‌های سوزان به تیراندازی که تیرباران می‌کنند،

منبع تصویر: انسان.

«عَصَمَهُمْ مِنْ رَبِّ الشُّبُهَاتِ فَمَا مِنْهُمْ زَائِعٌ عَنْ سَبِيلِ مَرْضَاتِهِ»: «آنها را از تردید شبهات مصونیت بخشید که هیچ کدام از فرشتگان، از راه رضای حق منحرف نمی گردند.» تشبیه فرشتگان به این که مثل انسان‌های فاسق از راه رضای خداوند منحرف نمی شوند، منبع تصویر: انسان.

«لَا سَلَبَتْهُمْ الْحَيْرَةَ مَا لَاقَ مِنْ مَعْرِفَتِهِ بِضَمَائِرِهِمْ»: «حیرت و سرگردانی آنها را از ایمانی که دارند و آنچه از هیبت و جلال که دردل نهادند، جدا نساخت.» تشبیه حیرت و سرگردانی به انسان‌های فاسق که هم‌نشین آنها نشده، منبع تصویر: انسان.

«قَدْ اسْتَفْرَعَتْهُمْ أَشْغَالُ عِبَادَتِهِ»: «اشتغال به عبادت پروردگار، فرشتگان را از دیگر کارها بازداشته است.» استفرغتهم استعاره از منعهم، منبع تصویر: انسان.

«قَطَعَهُمُ الْإِيقَانُ بِهِ إِلَى الْوَلَهِ إِلَيْهِ»: «نعمت یقین آنها را شیدای حق گردانید. قطعهم استعاره از صاروا، منبع تصویر: سایر

«وَلَمْ تُجَاوِزْ رَغَبَاتُهُمْ مَا عِنْدَهُ إِلَى مَا عِنْدَ غَيْرِهِ»: «به غیر خدا هیچ علاقه‌ای ندارند.» علایق انسان به معشوق به‌سان علایق فرشتگان به حضرت حق است، منبع تصویر: انسان

«وَلَا أَطْلَقَ عَنْهُمْ عَظِيمُ الرَّزْفَةِ رَبِّكَ خُشُوعِهِمْ»: «مقام والای فرشتگان از خشوع و فروتنی آنان کم نکرد.» مقام والای فرشتگان مثل مقام انسان‌های مؤمن که از خشوع و فروتنی آنها کم نکرد، منبع تصویر: انسان

«لَا تَرَكَ لَهُمْ اسْتِكَانَةَ الْإِجْلَالِ نَصِيْبَا فِي تَعْظِيمِ حَسَنَاتِهِمْ»: «فروتنی منجر به این شد که سهمی از بزرگی و بزرگواری، برای خود تصور نمایند.» فروتنی و تواضع مثل انسان، آنها را رها نکرد، منبع تصویر: انسان.

«كَمْ تَجْرُ الْفَقْرَاتُ فِيهِمْ عَلَى طُولِ دُعُوبِهِمْ»: «گذشت زمان آنها را از انجام وظایف پیاپی نرنجانده است.» گذشت زمان‌ها مثل انسان‌های فاسق به آنها ظلم نکرده تا در انجام وظیفه کوتاهی کنند، منبع تصویر: انسان.

«لَا مَلَكَتْهُمْ الْأَشْغَالُ»: «اشتغال به غیر خدا آنها را تحت تسلط خود در نیاورده است.» تشبیه اشتغال به غیر خداوند به سپاه دشمن که آنها را تحت تسلط خود قرار نداده است، منبع تصویر: انسان.

«فَخَصَّصَ جِمَاحَ الْمَاءِ الْمُتَلَطِّمِ لِثَقَلِ حَمْلِهَا»: «قسمت‌های سرکش آب از سنگینی زمین فرو نشست.» تشبیه قسمت‌های سرکش آب به انسان‌های فروتن که خاشع شدند، منبع تصویر: انسان.

«سَكَنَ هَيْجُ ارْتِمَائِهِ إِذْ وَطِئَتْهُ بِكُلِّكَلِمَا»: «هیجان امواج بر اثر تماس با سینه زمین آرام گرفت.»
 تشبیه هیجان امواج بر اثر تماس با سینه زمین به کودکی که در آغوش مادرش آرام می‌گیرد، منبع تصویر: انسان.

«فَأَصْبَحَ بَعْدَ اصْطِحَابِ أَمْوَاجِهِ سَاجِيَا مَقْهُورًا»: «سر و صدای زیاد امواج ساکن و آرام شده است.» تشبیه سر و صدای امواج به بی‌تابی کودکی که با قرار گرفتن در آغوش مادر آرام می‌شود، منبع تصویر: انسان.

«سَكَنَتِ الْأَرْضُ مَدْحُوَّةً فِي لُجَّةِ تَيَّارِهِ»: «خشکی‌های زمین را در دل امواج گستراند.» تشبیه خشکی‌های زمین در دل امواج چون کودکی بی‌تاب که در آغوش مادر قرا گرفته‌اند، منبع تصویر: انسان.

«وَرَدَّتْ مِنْ نَحْوَةِ بَأْوِهِ وَاعْتِلَانِهِ، وَشُمُوحِ أَنْفِهِ وَسُمُومِ غُلُوقِهِ»: «آب را از کبر و غرور و سرکشی و خروش بازداشت.» زمین، آب را مثل انسانی از کبر و غرور بازداشت، منبع تصویر: انسان
 «فَلَمَّا سَكَنَ هَيْجُ الْمَاءِ مِنْ تَحْتِ أَكْنَافِهَا»: «هنگامی که هیجان آب در اطراف زمین فرو نشست.» هیجان آب، مثل قرار گرفتن کودکی در آغوش مادر آرام شد، منبع تصویر: انسان
 «اسْتَقَلَّتْ بِهِ مِنَ الْعِبَاءِ الْمَحْمُولِ عَلَيْهَا»: «ابراهیم‌ها را پایین آمده سینه به زمین ساییدند.» ابراهیم‌ها مثل انسان از ارتفاع پایین آمدند، منبع تصویر: انسان.

«فَهِيَ تَبْهَجُ بَرِيْنَةَ رِيَاضِهَا»: «و زمین با باغ‌هایش شادی و سرور می‌کند.» تشبیه زمین با باغ‌های خود به انسانی که به شادی و سرور دعوت می‌کند، منبع تصویر: انسان.
 «أَلْبَسْتَهُ مِنْ رِيْطِ أَرْهَابِهَا»: «زمین با لباس نازک گلبرگ‌ها خود را پوشاند.» تشبیه زمین به واسطه لباس نازک گلبرگ‌ها به زنان زیبارو، منبع تصویر: انسان.
 «مَا سُمِطَتْ بِهِ مِنْ نَاضِرِ أَنْوَارِهَا»: «زمین با زینت و زیوری از گلوبند گل‌های گوناگون، فخرکنان خود را آراست.» تشبیه گل‌های رنگارنگ به زنان زیبارو که فخرکنان خود را می‌آرایند، منبع تصویر: انسان.

۲-۱-۲: استعارهٔ مکنیهٔ مرشحه از نوع تجسیم

«لَأَنَّهُ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَغِيضُهُ سُؤَالُ السَّائِلِينَ»: «چون او بخشنده‌ای است که درخواست نیازمندان، چشمهٔ جود او را نمی‌خشکاند.» تشبیه جود خداوند به چشمه‌ای که آبش به هیچ وجه کم نمی‌شود، منبع تصویر: طبیعت.

«هِيَ تَجُوبُ مَهَاوِيَ سَدَفِ الْعُيُوبِ مُتَخَلِّصَةً إِلَيْهِ سُبْحَانَهُ»: «در حالی که در تاریکی‌های غیب برای رهایی خود به خدای سبحان پناه می‌برند.» تشبیه غیب به شبی که تاریک است، منبع تصویر: طبیعت.

«عَلَّقَ فِي جَوْهَا فَلَكَهَا»: «در فضای هر آسمان فلک آن را آویزان کرد.» تشبیه فلک آسمان‌ها به زنجیری که آویزان شده، منبع تصویر: سایر.

«وَأَشْعَرُ قُلُوبِهِمْ تَوَاضَعُ إِخْبَاتِ السَّكِينَةِ»: «دل‌هایشان را در پوششی از تواضع، فروتنی، خشوع و آرامش قرار داد.» تشبیه آرامش در قلبشان به لباسی که جسمشان را پوشانده، منبع تصویر: سایر.

«لَمْ تُثْقِلْهُمْ مُؤْصِرَاتُ الْأَثَامِ»: «سنگینی‌های گناهان هرگز آن‌ها را در انجام وظیفه دلسرد نساخت.» تشبیه گناهان به بارهای سنگین که بر آن‌ها سنگینی نمی‌کنند، منبع تصویر: سایر.

«لَمْ تَرْمِ الشُّكُوكَ بِنَوَازِعِهَا عَزِيمَةَ إِيْمَانِهِمْ»: «تیرهای شک و تردید خللی در ایمانشان ایجاد نکرد.» تشبیه شک و تردید به تیر، منبع تصویر: سایر.

«لَا قَدَحَتْ قَادِحَةَ الْإِحْنِ فِيمَا بَيْنَهُمْ»: «آتش کینه در دل‌هایشان شعله‌ور نگردید.» تشبیه کینه به آتشی شعله‌ور، منبع تصویر: سایر.

«وَصَلَّتْ حَقَائِقُ الْإِيْمَانِ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَعْرِفَتِهِ»: «و حقیقت ایمان میان آن‌ها و معرفت حق، پیوند لازم ایجاد کرد.» تشبیه حقایق ایمان به ریسمان‌هایی محکم که پیوند لازم را ایجاد کرده‌اند، منبع تصویر: سایر.

«شَرِبُوا بِالْكَأْسِ الرَّوِيَّةِ مِنْ مَحَبَّتِهِ»: «از جام محبت پروردگار سیراب شدند.» تشبیه جام محبت پروردگار به جام شراب، منبع تصویر: سایر.

«تَمَكَّنَتْ مِنْ سُؤْدَاءِ قُلُوبِهِمْ وَشَيْجَةُ خَيْفَتِهِ»: «ترس و خوف الهی در ژرفای جان فرشتگان، راه یافته است.» تشبیه ترس و خوف الهی به ستون محکم که در وجودشان استوار است، منبع تصویر: سایر.

«وَلَمْ يُفْنِدْ طُولُ الرَّغْبَةِ إِلَيْهِ مَادَّةَ تَضَرُّعِهِمْ»: «شوق و رغبت فراوان، از زاری و گریه‌شان نکاسته است.» تشبیه شوق و رغبت فراوان به چشمه‌ای که آبش کم نمی‌شود، منبع تصویر: طبیعت.

«لَمْ تَغِضْ رَغَبَاتُهُمْ فَيُخَالِفُوا عَنْ رَجَائِ رَبِّهِمْ»: «شوق و رغبتشان نکاسته تا از پروردگار خویش ناامید گردند.» تشبیه شوق و رغبت آن‌ها به چشمه‌ای که آبش کم نشده، منبع تصویر: طبیعت.

«لَمْ تَجِفَّ لَطُولِ الْمُنَاجَاةِ أَسْلَاتُ الْأَسِنَّتِهِمْ»: «از مناجات‌های طولانی خسته نشده‌اند.» تشبیه زبان‌هایشان به زمینی که خشک نشده است، منبع تصویر: طبیعت.

«فَتَنْقَطِعَ بِهِمْ سِرِّ الْجُؤَارِ إِلَيْهِ أَصْوَاتُهُمْ»: «فریاد استغاثه و زاری آن‌ها فروکش نکرده است.» تشبیه صدای آن‌ها به چشمه‌ای که آبش قطع نشده، منبع تصویر: طبیعت.

«لَا تَنْتَضِلُ فِي هِمَمِهِمْ خَدَائِعُ الشَّهَوَاتِ»: «فریب‌های شهوت، همت‌های بلندشان را تیرباران نمی‌کند.» تشبیه شهوات به شیطان از نظر فریب دادن، منبع تصویر: سایر.

«قَدْ اتَّخَذُوا ذَا الْعَرْشِ ذَخِيرَةً لِيَوْمِ فَاقَتِهِمْ»: «فرشتگان، ایمان به خدای صاحب عرش را ذخیره روز بی‌نوایی خود قرار داده‌اند.» تشبیه ایمان به گنجی که ذخیره روز بی‌نوایی است، منبع تصویر: سایر.

«لَا يَقْطَعُونَ أَمَدًا غَايَةَ عِبَادَتِهِ»: «هیچ گاه عبادت خدا را پایان نمی‌دهند.» تشبیه قطع نشدن عبادت خداوند به چشمه آب دائمی، منبع تصویر: طبیعت.

«لَمْ تَنْقَطِعْ أَسْبَابُ الشَّقَقَةِ مِنْهُمْ فَيَنُوتُوا فِي جَدِّهِمْ»: «عوامل ترس آن‌ها را از مسئولیت باز نمی‌دارد تا در انجام وظیفه سستی ورزند.» تشبیه عوامل ترس به چشمه آبی که آبش تمام نمی‌شود، منبع تصویر: طبیعت.

«لَمْ تَأْسِرْهُمْ الْأَطْمَاعُ»: «طمع‌ها به آن‌ها شیخون نزده است.» تشبیه طمع‌ها به گرگانی که شیخون می‌زنند، منبع تصویر: حیوان.

«لَمْ يُفْرَقْهُمْ سُوءُ التَّقَاطُعِ»: «فرشتگان در برابر پروردگار راه جدایی در پیش نمی‌گیرند.» تشبیه برخورد‌های بد به ریسمان‌های پوسیده که آن‌ها را از هم جدا نکرده، منبع تصویر: سایر.

«لَا تَشَعَّبَتْهُمْ مَصَارِفُ الرِّيبِ»: «عوامل شک و تردید و خواهش‌های نفسانی آن‌ها را از هم جدا نکرده است.» تشبیه عوامل شک و تردید به ریسمانی که پاره نشده، منبع تصویر: سایر.

«كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى مَوْرِ أَمْوَاجٍ مُسْتَفْجَلَةٍ»: «زمین را به موج‌های پر خروش و دریا‌های مواج فرو پوشاند.» تشبیه امواج پر خروش و دریا‌های مواج به پرده‌ای که سطح زمین را پوشاند، منبع تصویر: طبیعت.

«إِذْ تَمَعَّكَتْ عَلَيْهِ بِكَوَاهِلِهَا»: «زیرا زمین با پشت بر آن می‌غلطید.» تشبیه زمین به سنگی که می‌غلطد، منبع تصویر: طبیعت.

«وَفِي حَكْمَةِ الذَّلِّ مُنْقَاداً أُسْبِرَاءً»: «امواج چون اسبان افسار شده رام گردیدند.» تشبیه موج‌ها به اسبانی افسار شده که رام شده‌اند، منبع تصویر: حیوان.

«حَمَلَ شَوَاهِقَ الْجِبَالِ الشَّمْعِ الْبُدْخِ عَلَى أَكْتِافِهَا». «آب کوه‌های سخت و مرتفع را بر دوش خود حمل کرد.» زمین کوه‌های سخت و مرتفع را چون بار سنگین بر دوش خود حمل کرد، منبع تصویر: سایر.

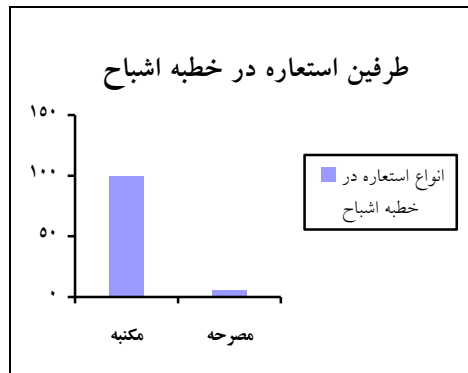
«لَمْ يَنْمِ وَمِيضُهُ فِي كَنْهَوْرٍ رَبَّابِهِ». «از درخشندگی ابرهای سفید کوه پیکر و متراکم چیزی کاسته نشد.» ابرهای سفید و متراکم مثل نور چرسو هستند، منبع تصویر: سایر.

«وَجَعَلَهُ خَالِجًا لِأَشْطَانِهَا، وَ قَاطِعًا لِمَرَائِرِ أَقْرَانِهَا». «مرگ پیوندهای خویشاوندی را از هم گسست تا آزمایش گردند.» مرگ پیوندهای خویشاوندی را هم‌چون ریسمانی پوسیده از هم پاره کرد، منبع تصویر: سایر.

۲-۱-۳: استعاره مصرحه مرشحه

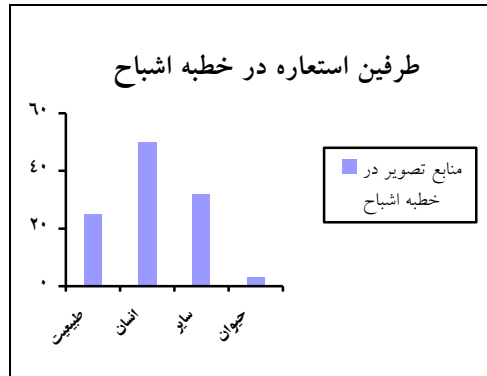
«فَتَحَّ لَهُمْ أَبُوَابَا دَلَّالًا إِلَى تَمَاجِيدِهِ». «درهای آسمان را به رویشان گشود تا خدا را به بزرگی بستایند.» تشبیه آسمان به درهایی که باز می‌شوند، منبع تصویر: سایر.

حجم بالای استعاره مکنیه به جهت کاربرد وسیع اعمال و صفات انسانی است و استعمال زیاد تشخیص نسبت به تجسیم نشان از تحرک و پویایی بیش‌تر متن خطبه است و حجم بالای منبع انسان به عنوان منابع تصویرپردازی نسبت به سایر منابع حاکی از تناسب مضمون خطبه «خداشناسی» که صفت انسانی می‌باشد، با تصویر است.

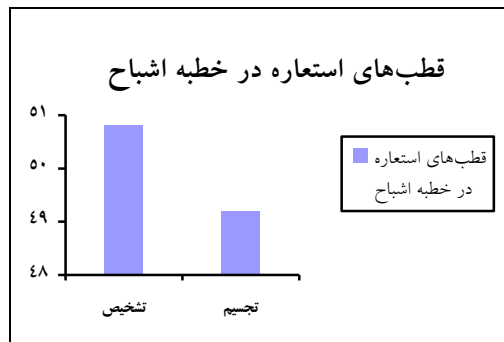


شاید بتوان گفت که بسامد بالای استعاره مکنیه نسبت به استعاره مصرحه در این خطبه، نشان از کاربرد وسیع افعال و صفات انسانی و نسبت دادن حالات انسانی به امور محسوس باشد، زیرا غالباً این افعال انسانی به عنوان یکی از لوازم مستعارمنه در متن خطبه ذکر شده‌اند.

از نظر منابع تصویر در این خطبه انسان و عناصر انسانی و در مرحله بعد، طبیعت نمودی بیش تر دارد که نمودار ذیل فراوانی هر یک از منابع تصویرپردازی را متجلی می کند:



در خطبه اشباح تشخیص و تجسیم به عنوان دو قطب مهم استعاره تجلی دارند که در این خطبه تشخیص نسبت به تجسیم نمودی بیش تر دارد که نمودار ذیل نشان از میزان فراوانی این دو قطب استعاره دارد.



با توجه به نمودار فوق در این خطبه، تشخیص نسبت به تجسیم، بسامدی فراوان تر دارد با وجود این که تشخیص و تجسیم هر دو به عنوان عناصری هستند که موجب پویایی تصاویر می شوند؛ اما کاربرد زیاد تشخیص موجب غنای بیش تر تصاویر خطبه شده است؛ زیرا امام علی (ع) با تصرف در عناصر بی جان و بخشیدن حالات و صفات انسانی به این تصاویر، حیات و زندگی به این تصاویر بخشیده و موجب تحرک و پویایی بیش تر تصاویر گشته اند و این تصاویر از حالت سکون خارج شده است.

در خصوص استعاره‌های به کار رفته از نظر ملائمت وجه شبه با مشبّه «مجرده» و مشبّه‌به «مرشحه» و عدم ملائمت ما مشبّه و مشبّه‌به «مطلقه» همه استعاره‌های به کار رفته ملائم با مشبّه‌به یعنی از نوع مرشحه هستند. این نکته گویای آن است که کل فضای خطبه حول محور استعاره مرشحه می‌گردد و این رویکرد بیان‌گر بلاغت فراوان خطبه است؛ زیرا استعاره مرشحه بلیغ‌ترین نوع استعاره نسبت به «مجرده» است و چون مدار مبالغه و تحقق آن بر پایه فراموشی تشبیه و این ادعا استوار می‌باشد که مستعار له همان مستعار منه و نه چیزی شبیه به آن است، گویا که اصلاً استعاره‌ای در کار نیست.

۲-۳: تصاویر مجازی در این خطبه

هر واژه‌ای که از آن معنایی، غیر از معنایی که در اصل برایش وشع شده، اراده شود و این انتقال معنایی، به جهت وجود مجاورت میان دو معنا باشد، مجاز است. (جرجانی، ۱۹۵۴: ۳۲۵). اغلب مجازها تک تأویلی هستند، یعنی در همان خوانش اولیه به سرعت افشا می‌شوند و در خوانش‌های مختلف تأویل مشابهی دارند. به همین دلیل عمر زیبایی شناختی مجاز به همان سرعتی که معنای آن حاصل می‌شود به سرعت فرسوده می‌گردد. (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۳۱).

۲-۳-۱: کارکردهای تصویرپردازی مجاز

۱- اهمیت بلاغی

اگر لفظی را به صورت حقیقی به کار ببریم تمام جوانب معنایی آن به ذهن می‌رسد، ولی در معنای مجازی با توجه به ارتباطی که بین معنای حقیقی و مجازی وجود دارد، این ارتباط نباید چندان واضح باشد تا مخاطب، شوق دست‌بازی برای جستجو و مفهوم تازه‌تر را داشته باشد و برای کشف آن معنا ذهن خود را به تکاپو وا دارد. (علوی یمنی، ۱۴۲۲، ۸۲/۴). و به این صورت با کاربرد مجاز، هدف زیبایی‌شناسی کاربرد آن محقق می‌شود.

۲- گاهی نیز استعمال مجاز از نظر تلفظ و در زنجیره گفتار متکلم ساده‌تر و خوش‌آهنگ‌تر می‌تواند باشد.

در این خطبه با استمداد از قوه خیال، علاوه بر این که هدف از به کارگیری مجاز آشنایی بیشتر مخاطب با بینش‌های توحیدی، بالا بردن ارزش بلاغی متن است، سعی شده که سایر کارکردهای تصویرپردازی مجاز بررسی شود که در ذیل به نمونه‌هایی از این کارکردها اشاره گردیده است.

«أَمْسَكَهَا مِنْ أَنْ تُمَوَّرَ فِي خَرْقِ الْهَوَاءِ بِأَيْدِيهِ» مجاز مرسل، ذکر سبب اراده مسبب (قدرت).

«لَمْ يَتَوَلَّهُمْ إِلَّا عَجَابٌ فَيَسْتَكْثِرُوا مَا سَلَفَ مِنْهُمْ، وَلَا تَرَكَتْ لَهُمْ اسْتِكَاةُ الْأَجْلَالِ نَصِيْبًا فِي تَعْظِيمِ حَسَنَاتِهِمْ»؛ «غرور و خودبینی دامن گیر فرشتگان نگرددید تا اعمال نیکوی گذشته را شماره کنند، و سهمی از بزرگی و بزرگواری، برای خود تصور نمایند.» هم در یتولهم: مجاز مرسل، ذکر کلّ و اراده جزء (قلب). کارکرد تصویرپردازی: ایجاز بیش تر و هماهنگی با «هم» در جمله بعد «لا تَرَكَتْ لَهُمْ و ...».

«لَا تَوَلَّاهُمْ غُلُّ التَّحَاوُسِ وَلَا تَشَعَّبَتْهُمْ مَصَارِفُ الرِّيبِ»؛ «کینه‌ها و حسدها در دل فرشتگان راه نداشته و عوامل شک و تردید و خواهش‌های نفسانی، آن‌ها را از هم جدا نساخته است.» هم در تولاهم: مجاز مرسل، ذکر کلّ و اراده جزء.

کارکرد تصویرپردازی: ایجاز بیش تر و تناسب با «هم» در عبارت بعدی «و لا تشعبتهم مصارف الريب».

«لِيَقِيمَ الْحُجَّةَ بِهٖ عَلَى عِبَادِهِ»؛ «و به این وسیله، حجّت را بر بندگان تمام کرد.» مجاز مرسل، ذکر کلّ و اراده جزء (پیامبران).

«مُسْتَقَرَّ ذَوَاتِ الْأَجْبَحَةِ بِذُرَى سَنَا خَيْبِ الْجِبَالِ»؛ «لانه پرنندگان که بر روی نقطه بلند کوه‌ها جای گرفته است.» مجاز مرسل، ذکر کلّ و اراده جزء (پرنندگان).

کارکردهای تصویرپردازی مجاز در عبارات فوق، نشان از تناسب تصویر با اسلوب است؛ زیرا واژه‌ای که به صورت مجاز به کار رفته است علاوه بر عمق بخشی به معنا، جهت هماهنگی با کلمه بعدی به صورت مجاز به کار رفته است.

۲-۴: تصاویر کنایی در این خطبه

ادیب، معنایی را می‌آورد که جانشین آن باشد و آن را دلیلی بر معنای مقصود خود قرار می‌دهد. (جرجانی، ۱۹۸۴: ۶۶). کنایه در آثاری که مضمون هجو و ترس دارند، بیش‌ترین کاربرد را دارد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۱۴۸).

کنایه علاوه بر کارکرد بلاغی و زیبایی‌شناسی دارای کارکردهای ذیل است:

۱- عظمت: گاهی به سبب ترس از موهومات، موقعیت یا ناخوشایندی از کسی یا چیزی از کنایه استفاده می‌کنیم. (ناتل خانلری، ۱۳۶۶: ۹۶).

در خطبه اشباح با بهره‌گیری از نیروی خیال، ضمن این که هدف از به کارگیری کنایه آشنایی مخاطب با نگرش‌های توحیدی و بالابردن ارزش ادبی و جنبه زیبایی‌شناسی متن است، سعی شده که علاوه بر این جنبه‌ها، سایر کارکردهای تصویرپردازی کنایه بررسی شود که در ذیل به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- «قَدْ اتَّخَذُوا ذَا الْعَرْشِ ذَخِيرَةً لِيَوْمِ فَاقَتِهِمْ»: «فرشتگان ایمان به خدای صاحب عرش را ذخیره روز بی‌نویی خود قرار داده‌اند». ذالعرش: کنایه از خداوند، کنایه از موصوف. کارکرد تصویرپردازی: عظمت.

- «وَلَا يَرْجِعُ بِهِمُ الْإِسْتِهْتَارُ بِلُزُومِ طَاعَتِهِ، إِلَّا إِلَىٰ مَوَادِّ مِنْ قُلُوبِهِمْ»: «آن‌چه آن‌ها را شیفته اطاعت خداوند کرده، بذر محبت است که در دل می‌پروراند. مَوَادِّ مِنْ قُلُوبِهِمْ کنایه از بذر محبت، کنایه از صفت.

- «وَرَدَّتْ مِنْ نَخْوَةِ بَأْوِهِ وَاعْتِلَائِهِ، وَشُمُوحِ أَنْفِهِ»: «آب را از کبر و غرور و سرکشی و خروش بازداشت». شُمُوحِ أَنْفِهِ کنایه از تکبر و خودپسندی. کنایه از صفت.

- «يَتَابِعُ الْعُيُونِ مِنْ عَرَانِينِ أَنْوِفِهَا»: «چشمه‌های موجود بر فراز کوه‌ها عَرَانِينِ أَنْوِفِهَا: کنایه از فراز کوه‌ها. کنایه از موصوف.

- «عَوْمِ نَبَاتِ الْأَرْضِ فِي كُتْبَانَ الرِّمَالِ»: «نباتِ الْأَرْضِ: ریشه گیاهان زمین که میان انبوه شن و ماسه پنهان است. کنایه از گیاهان، کنایه از موصوف.

از آن‌جا که کنایه غالباً در متونی که آمیخته به عاطفه فخر است به کار می‌رود، کاربرد آن در موارد فوق به این نکته اشاره دارد. و این عامل حاکی از تناسب تصویر با عاطفه است.

شایان ذکر است که در خطبه اشباح به واسطه آمیخته شدن عناصری چون خیال و کاربرد تصاویری همچون «تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه» پویایی و حرکت در سرتاسر خطبه مشهود است و با متن بی‌روح مواجه نیستیم.

نتیجه‌گیری

در صفحات پیشین، جلوه‌های عنصر تصویرپردازی در خطبه اشباح مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت که نتایج حاصل از این پژوهش به شرح ذیل است:

- ۱- تصاویر تشبیهی، استعاری، مجازی، کنایی خطبه مذکور؛ با بهره‌گیری از حواس پنج‌گانه انسان، به عنوان دست‌مایه‌ای برای انتقال مفاهیم و پیام‌های موجود در خطبه‌ها هستند؛
- ۲- هر یک از عناصر تصویرسازی غالباً با توجه به کارکرد تصویرسازی خود به کار رفته‌اند؛
- ۳- بهره‌گیری امام علی (ع) از طبیعت زنده و جان‌دار و اعمال انسانی؛ در خلق تصاویر ادبی و ظرافت ایشان در آفرینش تصاویر، نقش اساسی در تولید تصاویر متحرک و پویا دارند؛
- ۴- بین تصاویر با سایر عناصر ادبی (معنا، عاطفه و اسلوب) هماهنگی و سنخیت وجود دارد؛
- ۵- بسامد وسیع منابع انسانی به عنوان یکی از منابع تصویرسازی نسبت به سایر منابع؛ نشان از هماهنگی تصاویر مربوط نسبت به معنا است؛ زیرا مضمون خطبه، حول محور صفت انسانی «خداشناسی» می‌گردد، پس استفاده از منابع انسانی نسبت به مفاهیمی که دال بر صفات انسانی است نشان‌گر سنخیت تصویر با معنا می‌باشد؛
- ۶- استفاده از تصویر کنایه در متونی که مملو از عاطفه فخر است حاکی از هماهنگی تصویر با عاطفه است؛
- ۷- کاربرد وسیع تشخیص نسبت به تجسیم در خطبه‌ها از یک سو و حجم بالای جملات فعلیه نسبت به جملات اسمیه از جهت دیگر؛ علاوه بر تحرک و پویایی در متن خطبه‌ها نشان از تناسب تصویر با اسلوب است..

منابع و مآخذ

۱. ابوحاقة، احمد (۱۹۹۶)، *البلاغة والتحليل الأدبي*، بيروت: دارالعلم للملایین، الطبعة الاولى.
۲. ابو حمدان، سمیر (۱۳۷۶)، *عناصر تأثیرگذار در بلاغت عربی*، ترجمه حسن دادخواه، اهواز: دانشگاه شهید چمران.
۳. انصاری، نرگس (۱۳۸۹)، *عاشورا در آئینه شعر معاصر*، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، چاپ اول.
۴. انوری، حسن (۱۳۸۲)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: انتشارات سخن، چاپ دوم، ج ۳.
۵. برت، آر. ال (۱۳۷۹)، *تحلیل*، ترجمه مسعود جعفری، تهران: نشر مرکز.
۶. ثروتیان، بهروز (۱۳۶۹)، *بیان در شعر فارسی*، تهران: انتشارات برگ.
۷. جرجانی، عبدالقاهر (۱۹۵۴)، *اسرار البلاغه*، استانبول: بی تا.
۸. دشتی، محمد (۱۳۹۲)، *ترجمه نهج البلاغه*، قم: نشتا، چاپ دوازدهم.
۹. ریچاردز، آیور آرمسترانگ (۱۳۸۸)، *اصول نقد ادبی*، ترجمه سعید حمیدیان، تهران: علمی فرهنگی، چاپ دوم.
۱۰. شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶)، *صور خیال در شعر فارسی*، تهران: آگاه.
۱۱. ضیف، شوقی (۱۴۶۶)، *فی النقد الأدبی*، قاهرة: دارالمعارف.
۱۲. عتیق، عبدالعزیز (۱۷۲۳)، *فی النقد الأدبی*، بیروت: دار النهضة العربية، الطبعة الاولى.
۱۳. علوی الیمنی، یحیی بن حمزه (۱۴۲۲)، *الطراز المتضمن لاسرار البلاغه و علوم الحقایق الاعجاز*، بیروت: مکتبة العلمية، ج ۲.
۱۴. فتوحی، محمود (۱۳۸۶)، *بلاغت تصویر*، تهران: سخن.
۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۵۴)، *سیری در نهج البلاغه*، قم: مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ اسلامی، چاپ دوم.
۱۶. ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۶)، *تاریخ زبان فارسی*، تهران: نشر نو، چاپ دوم.
۱۷. هاشمی، سید احمد (۱۳۷۰)، *جواهر البلاغه*، قم: مکتب الاعلامی.
۱۸. یاسوف، احمد (۲۰۰۶)، *الصورة الفنية في الحديث النبوی الشريف*، دمشق: دارالمکتبی.
۱۹. یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۱)، *کاغذ زر*، تهران: علمی، چاپ اول.